



رأیة ناقصه لبیبی

سید امیر منصوری^۱

چکیده

سید الشعرا لبیبی از شاعران آخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری، قصیده‌ای دارد با مطلع «چو برکندم دل از دیدار دلبر/ نهادم مهر خرسندی به دل بر». این قصیده اولین قصیده شناخته شده از لبیبی است که محل بحث‌های فراوان توسط عوفی، رضاقلی خان هدایت، ملک الشعرا بهار، دبیرسیاقی و ابراهیم قیصری بوده است. در مقالاتی که رشحه قلم هریک از این افراد بوده زوایایی از حیات و شاعری لبیبی نمایانده شده است. این محققان و در صدر ایشان بهار دریافته‌اند که انتساب این قصیده به فرخی و منوچهری به خطا بوده است و هریک تلاش کرده‌اند تا ریشه این خطا را بیابند، اما همگی در شناساندن مأخذ اصلی این قصیده و منبع انتساب آن به فرخی و منوچهری به خطا رفته‌اند. در این مقال به بررسی منبع اصلی قصیده لبیبی و صورت کامل این قصیده خواهیم پرداخت؛ صورتی که بیش از یافته‌ها و اشاره‌های نگارندگان و یادکنندگان شناخته شده از این قصیده است. **کلیدواژه‌ها:** لبیبی، فرخی، منوچهری، قصیده رائیه، عوفی، هدایت، ملک الشعرا بهار، دبیرسیاقی.

با اسکن تصویر، می‌توانید این مقاله را در تارنمای مجله مشاهده نمایید.

مقدمه

در باب مقام شاعری و شعر و شخصیت لیبی در منابع مختلف سخنانی ذکر شده است، لیکن هرگز به کمال از احوال و زمان حیات و محل تولد و وفات وی اطلاعی حاصل نشده است (عوفی، ۶۲۰ ق: ۴۰/۲؛ اوحدی بلیانی، ۱۰۲۴ ق: ۳۶۳۸؛ هدایت، ۱۲۸۸ ق: ۱۷۵۲؛ بهار، ۱۳۲۴ ش: ۵۱۸؛ دبیرسیاقتی، ۱۳۳۴ ش: ۴-۱۰؛ سروری، ۱۳۹۱ ش: ۳۰-۳۲) این همه ناظر به آن است که لیبی در دوره غزنویان بوده است و از دربار چغانیان به جمع شعرای غزنی پیوسته و زمان وفات او پس از فرخی بوده- به اعتبار این شعر او (گر فرخی بمرد چرا عنصری نمرد)- همچنین تعداد اشعار او که توسط دبیرسیاقتی فراهم آمده است نزدیک به دویست بیت در گنج بازیافته آمده و پس از آن امید سروری ۳۴ بیت دیگر از وی را در سفینه ترمذ منتشر کرده است و در ضمن مقالتهی به این قصیده نو یافته اشاره کرده.

اما آنچه مورد بحث ما در این مقال است قصیده‌ایست طولانی از لیبی که در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته و هریک از آن‌ها به شکلی این قصیده را آورده و ناقلان دچار خطاهای زیادی شده‌اند. این قصیده در واقع رانیه‌ای است با مطلع:

چو برکندم دل از دیدار دلبر نهادم مهر خرسندی به دل بر

این قصیده اول بار در لباب الالباب طی ۳۳ بیت ذکر شده است، سپس اوحدی بلیانی در عرفات العاشقین ۳۲ بیت آن را از روی نسخه‌ای که از لباب الالباب عوفی در اختیار داشته^۱ در تذکره خود بی ذکر منبع اخذ آورده است، پس از اوزراقلی خان هدایت در مجمع الفصحا به ذکر این قصیده ذیل احوال فرخی سیستانی می‌پردازد (هدایت، ۱۲۸۸ ق: ۱۵۸۹) و در ترجمه احوال لیبی یادی از این قصیده نمی‌کند! پس از این منابع تاریخی است که ملک الشعرا بهار در سال ۱۳۲۴ ش. ضمن مقاله‌ای با عنوان قصیده لیبی به این رانیه او پرداخته و در ضمن آن به همه منابع مذکور در بالا اشاره کرده است، جز آنکه عرفات العاشقین را از قلم انداخته و در ضمن این مقاله به نسخه‌ای از مجموعه دواوین منوچهری و عنصری اشاره می‌کند که در تملک لسان الملک سپهر بوده و وی ۵۶ بیت این قصیده را در صفحات بیاض میان دو دیوان با ذکر انتساب این قصیده به فرخی و منوچهری آورده است.

پس از مرحوم بهار است که محمد دبیرسیاقتی در لیبی و اشعار او به سال ۱۳۳۱ ش. به شرح احوال لیبی می‌پردازد و تمامی آنچه را مرحوم بهار دیده است ذکر می‌کند، بعلاوه به دیوانی خطی از منوچهری و نیز صورتی از آن به شیوه چاپ سنگی اشاره می‌کند که متضمن این قصیده است و سپس در گنج بازیافته به‌طور مبسوط به این قصیده و صورت‌های مختلف آن در هریک از منابع بالا- جز عرفات العاشقین که او نیز آن را ندیده است- می‌پردازد. پس از

۱. برای شرح نسبت میان لباب الالباب با عرفات العاشقین رک. به تاریخ تذکره‌های فارسی ج. ۲، ص ۸۰-۸۶.

ایشان است که ابراهیم قیصری در سه قصیده همانند ۱۳۹۱ ش. به ذکر قرابت‌ها و صورت‌های سه قصیده لبیبی، فرخی و منوچهری می‌پردازد که متضمن یک موضوع هستند و شکل قصیده لبیبی را ناقص می‌داند. در صورت‌های مختلفی که از این قصیده طی تلاش‌های پژوهشگران ادب فارسی به دست آمده است مجموعاً ۵۹ بیت از آن فراهم شده و هنوز نواقص آن پا برجاست و نیز سؤالات متعددی درباره این قصیده چطور از منوچهری و یا فرخی دانسته شده باقی‌ست.

بهار بر این عقیده بود که این قصیده از نسخه در تملک لسان الملک سپهر به دست هدایت رسیده و ذیل اشعار فرخی در مجمع الفصحی قرار گرفته است «مرحوم الله باشی این قصیده را که بدون تردید از روی نسخه لسان الملک برداشته است یک بار در ضمن دیوان منوچهری و هم به نام او چاپ کرده و بار دیگر در جلد اول مجمع الفصحی سر و دست شکسته آن را به اسم فرخی ضبط نموده است» (بهار، ۱۳۲۴ ش.: ۴۳)، این همان عقیده‌ای است که دبیرسیاقی نیز آن را در گنج بازیافته پذیرفته و بر آن صحه گذاشته است (دبیرسیاقی، ۱۳۳۴ ش.: ۶). اما چه شده که این قصیده در مجمع الفصحی به نام فرخی و در دیوان منوچهری تدوین شده توسط هدایت ذیل اشعار او آمده است و در زمره اشعار لبیبی که ترجمه احوال او را هدایت به واسطه عرفات العاشقین از لباب الالباب آورده از آن یاد نکرده، این نکته‌ای است که لاینحل باقی مانده. بهار و دبیرسیاقی به این مهم رسیده‌اند که هدایت به واسطه دیوان در تملک لسان الملک سپهر دچار این خطا شده، ولی این سخن دچار خدشه است، چراکه دواوین دیگری از منوچهری را به تازگی می‌شناسیم که پیش از نسخه لسان الملک بوده و این رأی در ضمن آن‌ها نیز از منوچهری دانسته شده است (نسخه ش. ۱۰۷۴، ص. ۵۵-۶۰؛ نسخه ش. ۱۰۷۵، ص. ۴۸-۵۱) و این نسخه آخر پس از انتشار مقاله او در ۱۳۳۱ ش. به دست وی رسیده و در حاشیه همین قصیده به انتساب آن به لبیبی و مقاله خویش اشاره می‌کند. نسخه ش. (۱۰۷۵) در قرن سیزدهم کتابت شده است، لیکن نسخه نخست از دیوان منوچهری در قرن یازدهم استساخت شده و این امر مشخص می‌کند که انتساب قصیده به منوچهری حداقل دو قرن پیش از دستنویس سپهر نیز وجود داشته است. همچنین در دو مجموعه شعری دیگر از اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم این قصیده آمده است که در مجموعه (۵۳ د) ۱۸ بیت از آن و در مجموعه (۲۴۴۶) ۱۷ بیت قصیده به نام لبیبی درج شده است.

در همه این منابع سخن از انتساب قصیده رأیه به نام لبیبی و یا منوچهری است، جز آنکه سپهر در نسخه خویش قصیده را میان دو دیوان منوچهری و عنصری درج کرده؛ بنابراین انتساب آن به فرخی از کجا نشأت گرفته است؟ این پرسشی است که با بررسی تذکره خلاصه الاشعار و زبدة الافکار اثر میر تقی الدین کاشانی (ح. ۹۷۰-۱۰۱۶ ق.) معلوم می‌شود. در نسخه‌ای از این تذکره به تاریخ ۱۰۰۷ ق. صورتی از این قصیده ذیل احوال فرخی سیستانی آمده است که معلوم می‌دارد انتساب این قصیده به فرخی به حوالی سال‌های ۱۰۰۰-۱۰۰۷ ق. می‌رسد، چراکه تقی الدین کاشانی نگارش این بخش از تذکره (فرخی) را با توجه به فاصله زمانی میان نسخه انصاری اصفهانی - که نشانی از

فرخی در آن نیست- با نسخه فیروز بین این سال‌ها انجام داده است و البته در مجمع القصاید از این قصیده نشانی نیست و باید بررسی کرد که چه زمانی به نادرستی انتساب این قصیده به فرخی پی برده است و این مستلزم آن است که دستنویس موزه بریتانیا از خلاصه الأشعار که پس از ۱۰۰۷ ق. تدوین شده است نیز بررسی گردد.

با این وجود ارتباط میان هدایت و دیوان فرخی و درج قصیده راثیه لبیبی ذیل احوال او به صورت معمایی باقی می‌ماند، تا این که با دقت بیشتر در خلاصه الأشعار می‌بینیم که نسخه مورخ ۱۰۰۷ ق. در حاشیه برگ ۴۸ ر. ۱ در میان اشعار منوچهری متضمن یادداشتی است: «از این حد از لامعی است نه از منوچهری، حرره فقیر هدایت». بنابراین معلوم می‌شود که این دستنویس در اختیار رضاقلی خان بوده است و او احتمالاً از اینجاست که راثیه لبیبی را با اقتفا به خطای تقی الدین کاشانی ذیل احوال فرخی آورده است.

اما صورتی که تقی الدین کاشانی از قصیده راثیه در تذکره خود آورده متضمن ۷۲ بیت است و البته پنج بیت از ابیات سی‌وسه‌گانه مندرج در لباب الالباب و دیوان منوچهری را نیز ندارد و معلوم می‌شود صورت کامل قصیده لبیبی حداقل ۷۷ بیت داشته است که از کامل‌ترین شکل آن که توسط پژوهشگران ادبی دوره ما تکمیل شده ۱۸ بیت افزون‌تر دارد.

صورت‌های ناقصه قصیده لبیبی

در این بخش به صورت‌های مختلف قصیده راثیه لبیبی در منابع مختلف می‌پردازیم و در پایان صورت کامله آن را به نقل از خلاصه الأشعار خواهیم آورد.

۱. لباب الالباب

تعداد ابیات نقل شده در آن ۳۳ بیت است که به ترتیب از این قرار است: ۱، ۳، ۶، ۱۱-۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۸-۴۲، ۴۴-۴۷، ۵۵-۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۸، ۶۹. در این میان ابیات ۱۳، ۲۰، ۳۰، ۳۹ و ۶۹ در لباب است و خلاصه الأشعار آن را ندارد.

۲. عرفات العاشقین

ابیات و ترتیب آن‌ها در آن مانند لباب الالباب است، چراکه اوحدی در بخش قدمای تذکره خود نسخه‌ای از لباب را در اختیار داشته است. اما بیت ۲۶ در عرفات نیست و این بیت همان بیتی است که دو مصرع آن هیچ ارتباط معنایی‌ای با یکدیگر ندارد و ظاهراً صورت اصلی همان است که در خلاصه الأشعار آمده است.

۱. برگ‌شماری این نسخه به خطا از برگ دوم آغاز شده است و ما برگ نخست آن را هم محاسبه کرده‌ایم.

۳. دیوان منوچهری ش. ۱۰۷۴

این دستنویس فاقد تاریخ از دیوان منوچهری که متعلق به آخر قرن یازدهم است ۵۶ بیت از رأیة لبیبی را در خود حفظ کرده و از این میان فاقد ابیات ۱۴-۱۸، ۲۰، ۶۲-۶۵، ۶۷-۷۷ است.

۴. دیوان منوچهری ش. ۱۰۷۵

نسخه‌ای است از دیوان منوچهری که بنا بر قرائن نسخه‌شناسی در اواسط قرن سیزدهم هجری قمری کتابت شده ظاهراً از نسخه بالا استساخته شده و کاملاً شبیه به آن است.

۵. دیوان عنصری و منوچهری در تملک سپهر

این مجموعه شعری که به شماره ۷۲۴۵ در کتابخانه مجلس شورا نگهداری می‌شود در ۱۲۶۰ ق. کتابت شده و رأیة لبیبی با عبارت «این قصیده بعضی از فرخی و بعضی از منوچهری داند» شروع شده است به صورت چلیپا در میان دو مجموعه اشعار عنصری و منوچهری به خطی متأخرتر از خط اصلی آمده است و بعدها در تملک بهار قرار گرفته است. تعداد ابیات و ترتیب آن نیز مانند دو دیوان منوچهری است که در بالا ذکر آن رفت.

۶. دیوان منوچهری فراهم آمده توسط هدایت

بهار در مقاله خود به دیوانی از منوچهری اشاره می‌کند که توسط هدایت فراهم شده بوده و البته به صورت سنگی هم منتشر شده است، در این دیوان نیز ما ۵۶ بیت از قصیده رأیة لبیبی را مشاهده می‌کنیم و این همان ۵۶ بیتی است که در نسخه‌های دیگر دیوان منوچهری از اواخر قرن یازدهم به او نسبت داده شده است (نسخه ش. ۱۱۲۱۷ ملی ایران: ۱۲۸۸ ق.).

۷. مجموعه ۲۴۴۶ دانشگاه تهران

این مجموعه که اشعار بسیاری از قدما را به ترتیب الفبایی نام هر شاعر در خود دارد حدوداً در آخر قرن یازدهم کتابت شده است و ۱۷ بیت از قصیده رأیة مورد بحث ما به نام لبیبی در صفحات ۶۲۲ و ۶۲۳ آن ذکر شده است. ابیات مذکور از این قرار است: ۱، ۳، ۶، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۲۸-۳۰، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۵۵-۵۷.

۸. مجموعه ۵۳ دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

این مجموعه نیز در اواخر قرن یازدهم فراهم آمده است و از این قصیده ۱۸ بیت در صفحه ۴۲۵ آن یاد شده که به این صورت است: ۱۳، ۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۳، ۳۴، ۳۸-۴۲، ۴۴، ۴۷، ۵۸، ۶۸، ۶۹.

۹. مجمع الفصحی

هدایت ذیل احوال فرخی سیستانی قصیده مورد بحث ما را آورده است، اما معلوم نیست که چرا او با وجود در دست داشتن عرفات العاشقین به انتساب این قصیده به لیبی توجه نکرده است، او پیش از درج قصیده می‌گوید: «همانا نخستین قصیده‌ی ست که بمدح ابوالمظفر محتاج چغانی گفته و از آنجا بخدمت امیر نصر و سلطان محمود افتاده چنانچه از چهار مقاله نظامی عروضی علیه‌الرحمة این فقره نوشته شد» (هدایت، ۱۲۸۸ ق.: ۱۵۸۹) اما آنچه او ذکر کرده نه از چهار مقاله بلکه از خلاصه اشعار است. صورت ۲۸ بیت نقل شده در چاپ سنگی ذیل احوال فرخی از این قرار است: ۱-۳، ۲۵-۳۱، ۳۳، ۳۶، ۳۸-۴۲، ۴۴، ۴۶-۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۶.

قصیده راییه^۱

- | | | |
|--|---|----|
| نهادم مهر خرسندی به دل بر | چو برکندم دل از دیدار دلبر | ۱ |
| به دل کز دل به دیده برزد آذر | تو گویی داغ سوزان برنهادم | ۲ |
| زمژگان همچو سوزان شفشه ^۲ زر | شردیدم ^۳ که بر رویم همی جست | ۳ |
| جگر بریان و پر خون عارض و بر | مرا دید آن نگارین چشم گریان | ۴ |
| به چنگ اندر عنان جنگ زیور ^۴ | به چشم اندر شرار از آتش عشق | ۵ |
| که داری مر مرا بی خواب و بی خور | مرا گفست آن دل آرام بی آرام ^۵ | ۶ |
| همان از باختر رفتی به خاور | ز جابلسا به جابلقا رسیدی | ۷ |
| بگشتی در جهان همچون سکندر | سکندر نیستی لیکن دوباره | ۸ |
| چه مایه بینم از کار تو کیفر | ندانم تا تو را چند آزمایم | ۹ |
| چه داری عیش من بر من مکدر | مرا در آتش هجران چه سوزی | ۱۰ |
| فرونه یک ره و برگیر ساغر | گلّه دارم از این راه بی آرام ^۶ | ۱۱ |
| فغان زین رهنورد هجر گستر | فغان زین بادپای کوه دیدار | ۱۲ |

۱. متن از خلاصه اشعار است (خل) و در برخی موارد از لباب الالباب (لب) و یا دیوان‌های منوچهری مذکور در متن (من) استفاده شده است؛ ابیات ستاره‌دار* اشعاری است که قدیمی‌ترین صورت آن را تاکنون صرفاً در خلاصه اشعار یافته‌ایم و نسخه دیگری از آن سراغ نداریم.
۲. دیدی، «خل»: دیدی.

۳. شفشه، «لب»: سونش؛ شفشه. [ش / ش / ش / ش / ش / ش] (۱) شوشه طلا و نقره گذاخته در ناوچه آهنین ریخته. (برهان).

۴. جنگ زیور، «من»: خنگ رهبر.

۵. بی آرام، «من»: ای بیارام.

۶. که داری مر مرا، «من»: همیشه تازیان.

۷. گلّه ... بی آرام، «لب»: هوا اندوده رخساره به دوده.

- ۱۳) هما[نا] از فراق است آفریده
 ۱۴) *فراموشی ست با او دور و نزدیک
 ۱۵) *از او هفتاد کشور با تو یک پی
 ۱۶) *مرا با کام دارد کام زخمش
 ۱۷) *همی گفت و همی خوردم تأسف
 ۱۸) خرد زین سو کشید و عشق زان سو
 ۱۹) به دلبر گفتم ای از جان شیرین
 ۲۰) مخور غم می روم درویش زین جا
 ۲۱) سفر بسیار کردم راست گویی
 ۲۲) بدانم^۲ سرزنش کردی روا بود
 ۲۳) از این رفته نگر تا غم نداری
 ۲۴) برفت از پیشم و پیش من آورد
 ۲۵) رهی صعب^۶ و شب تاریک و تیره
 ۲۶) هوا اندوده رخساره به دوده
 ۲۷) *گمان بردی که باد اندر پراکند
 ۲۸) خم شوله^۹ چو خم زلف جانان
 ۲۹) مُکَلَّل گوهر اندر تاج اکلیل
- که دارد دور ما را یک زدیگر
 به وهم اندر به سیر از کز و از فر
 ز تو یک پی بدو هفتاد کشور
 ندادم گریبالم رو به داور
 ز درد فرقت آن خوب دلبر
 فروماندم من اندر کار مضطر^۱
 مرا بایسته تر بسیار و خوش تر
 ولیکن زود بازآیم توانگر^۲
 سفرهایی همه بی سود و بی بر
 گذشته است، از گذشته یاد ماور
 که زی تو زود بازآیم توانگر^۳
 بیابان بره انجامی مُضَمَّر^۵ [۵۴] ر
 هوا چون قیر زو هامون مقیر^۷
 سپهر آراسته چهره به گوهر^۸
 به روی سبز دریا برگ عبهر
 مُغَرَّق گشته اندر لؤلؤی تر
 به تارک بر نهاده غفره^{۱۰} مغفر

۱. خرد ... مضطر، «خل»: -، از «لب» نقل شد.

۲. مخور ... توانگر، «خل»: -، از «لب» نقل شد.

۳. ندانم، «خل»: ندانم، از «من» نقل شد.

۴. از این ... توانگر، «لب»: مخور غم می روم درویش از اینجا/ ولیکن زود بازآیم توانگر.

۵. مضَمَّر، «سپ»: مشَمَّر؛ مضمر. [مُضَمَّ م] [ع ص] اسب تیز رفتار باریک میان.

۶. صعب، «لب»: دور.

۷. هوا ... مقیر، «لب»: هوا فیروز و هامون چون مقیر.

۸. این بیت در دو بیت مجزا بدین صورت در «لب» آمده است: هوا اندوده رخساره به دوده/ فرو نه یک ره و برگیر ساغر- فرود آ زود و زین را

زین بیارام/ سپهر آراسته چهره به گوهر.

۹. شوله، «لب»: شوکه؛ شوله: [ش ل] [اخ] نام یکی از منازل قمر. (برهان)، [ش / شُول / ل] [ازع، ا] شوله: نیش عقرب که مرتفع باشد.

۱۰. پوشش.

| | | |
|----|--|---|
| ۳۰ | مِجْرَه چون به دریابار موسی | که اندر قعر او بگذشت لشکر ^۱ |
| ۳۱ | بنات النعش ^۲ چون طبطاب ^۳ سیمین | نهاده دست زیر و پهنه از بر |
| ۳۲ | همی گفتم که طبطاب فلک را | چه گویی گوی شاید بردن ایدر |
| ۳۳ | زمانی بود و مه سر برزد از گُه | به رنگ روی مهجوران مُزَعْفَر |
| ۳۴ | چو زراندد کرده گوی سیمین | شد از دیدار ^۴ او گیتی منوّر |
| ۳۵ | مرا چشم اندر ایشان خیره مانده | روان مدهوش و مغزدل مفکّر |
| ۳۶ | به ریگ اندر همی شد باره زان سان ^۵ | که ^۶ در غرقاب مرد آشناور |
| ۳۷ | برون رفتم ز ریگ ^۷ و شکر کردم | به سجده پیش یزدان گروگر |
| ۳۸ | دمنده ازدهایی پیش آمد | خروشان و بی آرام و زمین در ^۸ |
| ۳۹ | شکم مالان به هامون بر همی رفت | شده هامون به زیر او مقعر ^۹ |
| ۴۰ | گرفته دامن خاور به دنبال | نهاده بر کران باختر سر |
| ۴۱ | به باران بهاران بوده فریبی ^{۱۰} | ز ^{۱۱} گرمای حزیران گشته لاغر |
| ۴۲ | از او زاده است هرچه اندر جهان هست | ز هرچه اندر جهان است او جوان تر |
| ۴۳ | شکوه آمد مرا و جای آن بود | که جای او دخانی بود منکر |
| ۴۴ | مدیح شاه بر خواندم به جیحون | بر آمد بانگ از آب اللّه اکبر |
| ۴۵ | تواضع کرد بسیار و مرا گفت | ز من مشکوه و بی آزار بگذر |

۱. مجره ... لشکر، «خل»: -، از «لب» نقل شد؛ بار، «سپ»: راه. مجره: [مَجْرَه] [ع] کهکشانی و آن خط سفیدی است که به شب در آسمان دیده می شود (غیاث).
۲. بنات النعش: [بَنَاتُ النَّعْشِ] [ع] (بخ) هفت اورنگ (حاشیه فرهنگ اسدی نخجوانی) ستاره معروف به هفت ستارگان در شمال و جنوب، چهار از وی را نعش و سه را بنات گویند. و آن دواند: بنات النعش الکبری و بنات النعش الصغری (شرفنامه منیری).
۳. طبطاب: [طَبْطَاب] [ع] آن چوب که گوی بر آن براندازند (مهذب الاسماء).
۴. دیدار، «به»: انوار.
۵. به ریگ ... زان سان، «خل»: به رنگ اندر همی شد باره تازان، متن نقل از «لب».
۶. که، «خل»: چو، متن از «لب».
۷. رنگ: به قرینه ضبط «لب» (ریگ) در بیت قبل احتمالاً «ریگ» است.
۸. دمنده ... زمین در، «لب»: +، در «سپ» پس از بیت ۳۳ آمده است.
۹. این بیت در «۱۰۷۴» قبل از بیت ۳۷ است.
۱۰. بوده فریبی، «خل»: گشته فریه، متن نقل از «لب».
۱۱. ز، «خل»: به.

- ۴۶) که من شاگرد کف راد اویم
 ۴۷) به فرّشاه از بیرون گذشتم
 ۴۸) وز آنجا تا بدین درگاه گفتمی
 ۴۹) همه بالا پر از دیبای رومی
 ۵۰) کجا سبز است بر فرق مفقد^۱
 ۵۱) یکی چون صورت مانی منقش
 ۵۲) تو گفتمی هیکل زردشت^۲ گشته است
 ۵۳) گمان بردی که هر ساعت برآید
 ۵۴) بدین حضرت بدانگونه رسیدم
 ۵۵) همان کین منظر عالی بدیدم^۳
 ۵۶) کبوتر سوی جانان بال بگشاد^۴
 ۵۷) به نامه در نیشته^۵ کای دل آرام
 ۵۸) به درگاهی رسیدم^۶ کز بر او
 ۵۹) سرایی مر سعادت پیشکارش
 ۶۰) به صدر اندر نشسته پادشاهی
 ۶۱) به تاجش^۸ برنیشته عهد آدم
 ۶۲) *مبایع رای او را بخت مسرور
 ۶۳) *ندارد خشم او را روز بهرام
 ۶۴) *ره صلح و ره جنگش گشاده است
- که تو مدحش همی خوانی از بر
 یکی موی از تن من ناشده تر
 گشادستند مرفردوس را در
 همه پستی پر از کالای ششتر
 کجا شاخ است بر شاخش مشجر
 یکی چون نامه آذر مصور
 ز بس لاله همه صحرا سراسر
 فراوان آتش از دریای اخضر
 که زی فرزند یعقوب پیمبر
 رها کردم سوی جانان کبوتر
 بشارت نامه زیر پرش اندر
 رسیدم دل به کام و کان به گوهر
 نیارد زو گذشتن خط^۷ محور
 زمانه چاکر و دولت کدیور
 ظفریاری به کنیت بسوالمظفر
 به تیغش^۹ درسرشته هول محشر
 موافق لفظ او را سعد اکبر
 ندارد جود او را پای / نای کوثر
 نهاده پیش نیک و بد برابر

۱. فرق مفقد، «من»: فرقس معقد، مفقد: پنهان، نهان.

۲. زردشت، «خل»: زرد است، متن از «من».

۳. همان ... بدیدم، «لب»: بدین درگاه عالی چون رسیدم.

۴. بال بگشاد، «لب»: کرد پرواز.

۵. نیشته، «خل»: نوشته.

۶. رسیدم، «لب»: سپردم.

۷. زو گذشتن خط، «لب»: تند رفتن چرخ.

۸. تاجش، «لب»: نامش.

۹. تیغش، «لب»: کینش.

| | | |
|---|----|---|
| یکی روشنی تر است از رای مؤمن | ۶۵ | *یکی تازی تر است از جان کافر |
| زن از هیبت او بار گیرد | ۶۶ | چه خواهد زاد تمساح و غضنفر ^۱ |
| *سخت کف او را قهرمان است | ۶۷ | شجاعت نیززه او را برادر |
| جهان را خور کند روشن ولیکن ^۲ | ۶۸ | ز رای او ستاند روشنی خور ^۳ |
| ز بار همت او گشت گوئی | ۶۹ | بدین کردار پشت چرخ چنبر ^۴ |
| *به افسر فخر باشد خسروان را | ۷۰ | از او دارد نشان مفخر افسر |
| *به لشکر داشت شاید ملک لیکن | ۷۱ | به زور اندر تواند داشت لشکر |
| *درخت از میوه دیدار او را | ۷۲ | به جای برگ چشم آرد همی بر |
| *نخسید دشمنش بس گر بخسید | ۷۳ | نباشد زیر وی جز خار بستر |
| *به شاخ خشک برخوان مدح او را | ۷۴ | برآید راست همچون شاخ عرعر |
| *صنوبر را زرایش یاد کن تا | ۷۵ | همه خورشید بار آرد صنوبر |
| *بخوان بر خاک وصف رادی او | ۷۶ | اگر خواهی که گردد خاک عنبر |
| *ایسا خورشید آزادان گیتی | ۷۷ | سپهر رادی و دریای مفخر [۵۴ پ] |

نتیجه‌گیری

طی این مقال با بررسی سخنان بهار و دبیرسیاقی و هدایت معلوم شد که تعداد ابیات باز یافته ایشان از رائیه لیبی ۵۹ بیت است، در حالی که صورت اصلی آن حداقل ۷۷ بیت و یا متجاوز از آن است و نیز ایشان در یافتن منبع اصلی انتساب این قصیده به فرخی باز مانده‌اند، همچنین مأخذ هدایت در انتساب قصیده به منوچهری را که مقصود نگارش مقاله ایشان بوده است درست تشخیص نداده‌اند. بعلاوه توانستیم مأخذ خطاها را بشناسانیم و ۱۸ بیت از ابیات ناپیدای قصیده را به آن بیفزاییم و نیز دریافتیم که محل اختلاف در انتساب قصیده به فرخی و منوچهری حداقل دو قرن پیش‌تر از زمان شناخته شده توسط محققان ادبی روزگار ما بوده است.

۱. زن ... غضنفر، «خل»: زمان از هیبت او بار گیرد/ چو خواهد زاد تمساح و غضنفر.

۲. روشن ولیکن، «خل»: جهان را خور کند رای تو روشن.

۳. ز رای ... خور، «لب»: ز رای اوست دایم روشنی خور.

۴. ز بار ... چنبر، «خل»: -، از «لب» نقل شد.

کتابنامه

- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد. (۱۰۲۴ ق.). عرفات العاشقین و عرصات العارفين. تصحیح ذبیح‌الله صاحبکار و دیگران. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۹ ش.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۲۴ ش.). «قصیده لبیبی». آریانا. ش ۹. سال ۳. ص ۴۱-۴۵.
- حسینی کاشانی، تقی‌الدین محمد. (ح. ۱۰۲۲ ق.). خلاصة الاشعار وزبدة الافکار. نسخه ش. ۲۸۲ فیروز، کتابخانه مجلس شورا. ۱۰۰۷ ق.
- حسینی کاشانی، تقی‌الدین محمد. (ح. ۱۰۲۲ ق.). مجمع القصاید. نسخه ش. ۵۱۳۲۴، کتابخانه آستان قدس رضوی. ۱۰۶۷ ق.
- حسینی کاشانی، تقی‌الدین محمد. (ح. ۱۰۲۲ ق.). خلاصة الاشعار وزبدة الافکار. نسخه ش. ۳۰۹۰۰، کتابخانه ملی ایران. ح. ۱۰۰۰ ق.
- خلف تبریزی، محمد حسین. (۱۰۳۰ ق.). برهان قاطع. تصحیح محمد معین. تهران: امیرکبیر. ۱۳۴۲ ش.
- دیرسیاقی، محمد. (۱۳۳۱ ش.). لبیبی و اشعار او. مهر. مرداد ۱۳۳۱ ش. ص ۳۱۰-۳۱۲.
- _____ (۱۳۳۴ ش.). گنج بازیافته. تهران: سازمان انتشارات اشرفی. ۱۳۳۴ ش.
- سروری، امید. (۱۳۹۴ ش.). «قصیده‌ای نویافته از لبیبی». نامه فرهنگستان. زمستان ۱۳۹۴ ش. ص ۳۰-۳۸.
- عوفی، محمد بن محمد. (۶۲۰ ق.). لباب الالباب. تصحیح ادوارد براون. لیدن: بریل. ۱۳۲۴ ق.
- قیصری، ابراهیم. (۱۳۹۱ ش.). سه قصیده همانند. مشهد: نشریه پاژ. زمستان ۱۳۹۱. ص ۳۵-۴۳.
- گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۱ ش.). تاریخ تذکره‌های فارسی. تهران: سنایی. ۱۳۶۱ ش.
- مجموعه ۵۳ د. دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. اواخر قرن ۱۱.
- مجموعه ۲۴۴۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. اواخر قرن ۱۱.
- منوچهری دامغانی، احمد بن قوص. (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخه ش. ۱۰۷۴ کتابخانه مجلس شورا. آخر قرن ۱۱.
- _____ (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخه ش. ۱۰۷۵ کتابخانه مجلس شورا. اواسط قرن ۱۳.
- _____ (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخه ش. ۷۲۴۵ کتابخانه مجلس شورا. ۱۲۶۰ ق.
- _____ (۴۳۲ ق.). دیوان. نسخه ش. ۱۱۲۱۷ کتابخانه ملی ایران. آخر قرن ۱۲۸۸ ق.
- هدایت، رضاقلی خان. (۱۲۸۸ ق.). مجمع الفصحا. تهران: میرزا آقا کمره‌ای. ۱۲۸۸ ق.